



جستارهای اعتقادی



تحقیق:

پژوهشکده معارف اهل بیت (علیهم السلام)

جستارهای اعتقادی: بداء

تحقیق:
پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم السلام

ناشر: نشر معارف اهل بیت الطاهرین علیهم السلام
چاپ: اشراق نوبت چاپ: اول، ۳۹۹
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تمام حقوق محفوظ است.

مراکز پخش

۱. قم، ۴۵ متری شهید صدوقی (زنبیل آباد)،
کوی ۳۴، پلاک ۱۵، مؤسسه معارف اهل بیت علیهم السلام
کدپستی: ۳۷۱۶۸۶۶۵۱۴ - ۳۷۱۶۸۶۶۵۱۵
تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۴۶۰۲ / دورنگار: داخلی ۱۵۰

۲. قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه
همکف، پلاک ۱۱، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۴۴۳

۷.....	سخن پژوهشگر
۹.....	پیشگفتار

بخش اول: بداء در کلام اسلامی / ۲۳

۲۵.....	آموزه بداء از عصر حضور تا سده نهم هجری / سید جمال الدین موسوی
۵۹.....	مطالعه تطبیقی دیدگاه شیخ صدوق و شیخ مفید و دیدگاه سید مرتضی و شیخ طوسی درباره بداء / رسول محمد جعفری
۸۹.....	موضع امامیه در برابر دیدگاه کیسانیه، غلات، زیدیه و اسماعیلیه درباره آموزه بداء / ابراهیم نوئی
۱۰۹....	بررسی و تحلیل نظریه خواجه نصیرالدین طوسی در عقیده بداء / رسول محمد جعفری / وحید داوری چهارده
۱۳۷.....	امامت و مسئله بداء در اسماعیل بن جعفر بررسی روایت: «ما بدا لله مثل ما بدا فی اسماعیل» / مهدی فرمانیان / احسان جندق
۱۵۷.....	علم پیشین الهی و اختیار انسان: «خداگرایی گشوده» و «مسئله بداء» / زینب امیری
۱۷۷....	نقد و بررسی شبهات کتاب «اصول مذهب الشیعه» درباره بداء / عطیه سادات فیض / محمدحسن نادم

بخش دوم: بداء در فلسفه و عرفان اسلامی / ۲۰۳

- مطالعه تطبیقی آموزه «بداء» در اندیشه میرداماد و صدر المتألهین / علیرضا کاوند / حسن رضایی هفتادر / محمد علی اسماعیلی ۲۰۵
- تحلیل انتقادی «نظریه بداء بر پایه باور به هیولی» / محمد مهدی منتصری / احد فرامرز قراملکی ۲۲۹
- تحلیل و تبیین آموزه بداء از دیدگاه فیض کاشانی / مهدی ذاکری / رضا برنجکار / اصغر غلامی ۲۵۵

بخش سوم: بداء در معارف و حیانی / ۲۷۷

- تحلیل آموزه بداء بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام / سید جمال الدین موسوی ۲۷۹
- مفهوم عام بداء در مکتب اهل بیت علیهم السلام / سید محمد بنی هاشمی / محمد حسین سهیلی ۳۰۵
- بداء یا محو و اثبات از منظر قرآن و حدیث / سید عبدالرسول حسینی زاده ۳۲۵
- رأی و بداء از دیدگاه میرزا مهدی اصفهانی رحمته الله علیه / اصغر غلامی ۳۵۹
- بداء در دیدگاه آیت الله نمازی شاهرودی / محمد بیابانی اسکویی ۳۸۹
- تردد در ساحت ربوبی و نسبت آن با علم و اراده در مکتب اهل بیت علیهم السلام / سید جمال الدین موسوی ۴۱۵
- اجل معلق و اجل مسمما از منظر آیات و تجلی آن در روایات / محمد حسین بیات ۴۴۳

سخن پژوهشگرده

پرسش‌هایی بزرگ همواره روح و عقل بشر را به خود مشغول داشته و انسان برای یافتن پاسخ آن به هر جا سرکشیده و پاسخی یافته است. از دل همین پاسخ‌ها انواع نظریه‌ها و دیدگاه‌ها شکل گرفته و افزایش افکار بیشتر، بر حیرت و سرگردانی بشر افزوده است.

به دلیل اهمیت همین پرسش‌ها ادیان الهی پاسخ‌گویی به این مسئله‌ها را سرلوحه رسالت خویش دانسته‌اند و نخستین حرکت پیامبران در جهت اصلاح داشته‌ها و دستاوردهای معرفتی بوده است. انبیا با بیدارسازی فطرت و با هشدار به عقل‌های خفته و خو گرفته به عادات و اندیشه‌های خام، راه‌هایی از حیرت و گمراهی را نشان دادند و مردمان را به شناخت بهتر حقایق رهنمون شدند. با این همه، به دلیل دشواری این موضوعات از یک سو و دلبستگی به داشته‌های پیشین از سوی دیگر، پیروان پیامبران نیزگاه از درک و دریافت دقیق حقایق وحی و امانده و دیدگاه‌های خویش را با معارف و حیاتی در هم آمیخته‌اند. از این رو حضور پیامبران به صورت پیایی، برای اصلاح تدریجی این اندیشه‌ها ضروری بوده است. قرآن بارها بر اهمیت رسالت عالمان ربانی و لزوم حضور و حرکت آنان در جامعه برای پاک‌سازی فکر و فرهنگ دینی تأکید کرده است. آری، نشر دانش دین و تبیین دقیق دیدگاه‌های اصیل اعتقادی در هر زمان و مکان بر دوش آگاهان سنگینی می‌کند و با گسترش شبهات و ابهامات، این امر ضرورتی دوچندان می‌یابد.

بدیهی است که امروزه در مواجهه با امواج فکر و فرهنگ چاره‌ای جز دوراندیشی و پژوهش در ابعاد و زوایای مسائل علمی نیست. برای شناخت درست حقیقت، پیش از هر چیز، باید آرا و اندیشه‌ها را به دقت بازشناخت و از چند و چون دیدگاه‌ها و چرایی‌شان پرده برداشت.

مجموعه حاضر تلاش می‌کند که با گردآوری بهترین مقالات در یکی از موضوعات مهم اعتقادی، امکان مقایسه و سنجش را برای پژوهندگان حقیقت فراهم سازد. این دفتر به آموزه بداء در نظام افعال و تقدیرات الهی اختصاص دارد. بر جویندگان معارف اعتقادی به ویژه معارف شیعی پرواضح است این آموزه از والاترین و پرثمرترین باورهایی است که حل بسیاری از شبهات در حوزه خداشناسی و انسان شناسی متوقف بر آن است. در گام نخست همه مقالات فارسی، تا زمان نشر این کتاب، گردآوری، بررسی و ارزیابی شد، ولی فقط تعدادی از آنها، که در ارزیابی‌های مکرر، پرمایه‌تر و مناسب‌تر تشخیص داده شدند، انتشار یافتند. آنچه در اینجا آمده، بی‌کم و کاست، همان متن اصلی مقالات است که پیشتر نشر یافته است و فقط ویرایشی صوری در متن صورت گرفته است. برخی از مقالات بازنگاری شده برخی دیگر به سفارش گروه تدوین و پژوهش پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم‌السلام در این مجموعه نشر یافته است. مقالات بر اساس گرایش‌های گوناگون فلسفی و کلامی تقسیم‌بندی شده تا بهره‌گیری از آنها آسان‌تر باشد. پیشنهاد می‌شود که این کتاب یک متن پایه برای بخش خداشناسی، نظام افعال الهی و جبر و اختیار در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در نظر گرفته شود. پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم‌السلام ضمن سپاس‌گزاری از همه نویسندگان به ویژه آنانی که در تنظیم مقالات جدید همکاری نمودند، از کسانی که در ساماندهی این اثر نقش آفرینی کردند، از جمله جناب آقای سید هادی ناطقی در حروف‌نگاری، جناب آقای مصطفی حقانی فضل در ویرایش ادبی تقدیر می‌نماید. از تلاشهای جناب حجت الاسلام محمدرضا حسینی برای انجام پاره‌ای از امور اجرایی و نیز مدیریت داخلی موسسه معارف اهل بیت علیهم‌السلام جناب آقای مسعود اقوام کرباسی تشکر می‌کنیم. در پایان از مولف فاضل جناب آقای سید جمال الدین موسوی که مقالات اثر پیش رو مرهون نظارت و مدیریت علمی ایشان است و ریاست محترم پژوهشکده، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی سبحانی که مسیر تحقیق و نشر این مجموعه را هموار و ارزیابی نهایی مقالات را بردوش داشتند سپاس‌گزاری می‌کنیم. امید داریم که این کوشش‌ها مورد رضایت خداوند تعالی و اولیای پاکش قرار گیرد.

پیشگفتار

سیر بداء در اندیشه امامیه از عصر معصومان تا کنون آهنگ یکسانی نداشته و فراز و فرودهای متعددی را شاهد بوده است. از آن همه تأکید بر آموزه بداء و تبیین اهمیت و جایگاه آن در روایات اهل بیت علیهم السلام، تنها بخش کوچکی در آثار کلامی امامیه از عصر غیبت به بعد انعکاس یافت. تا جایی که در قرن ششم و هفتم تقریباً اثری از آن در بسیاری از آثار کلامی امامیه وجود نداشت. این سرنوشت غریب، ضرورت پژوهش تاریخی درباره بداء را دوچندان می‌کند.

بداء از آموزه‌های حاشیه‌ای یا دست‌چندم معارف اهل بیت علیهم السلام نیست. اهمیت آن را می‌توان در دو بعد نظری و عملی پیگیری کرد. در بعد نظری، بداء ارتباطی ناگسستنی با توحید الهی به ویژه توحید افعالی دارد. آموزه بداء ضمن تأکید بر مشیت و اراده الهی برای تحقق امور، تغییرپذیر بودن آن را مطرح می‌کند. عقیده به بداء تصور ما درباره مهم‌ترین صفات الهی مانند علم و قدرت و اراده را تغییر می‌دهد، به گونه‌ای که با اعتقاد به بداء علم و قدرت مطلق و سلطنت بر فعل و ترک و اراده آزاد برای خداوند اثبات می‌شود. اساساً داشتن تصویر کامل و عنوان صفت کمالی در مورد صفات یاد شده در گرو اعتقاد به آموزه بداء است. در بعد عملی نیز می‌توان به نقش اراده انسان در تغییر سرنوشت خود اشاره کرد که از پیامدهای مهم آموزه بداء به شمار می‌آید. در واقع این نکته خود تأکیدی بر نفی اندیشه جبر و اثبات تأثیر اراده انسان در افعال خویش است. افزون بر اینکه اعتقاد انسان‌ها به تغییرپذیر بودن سرنوشت خویش، سبب زدودن یأس و ناامیدی می‌شود و تلاش برای ساخت آینده‌ای بهتر را رقم می‌زند. از سوی دیگر، با توجه به تأکید اهل بیت علیهم السلام بر مشیت عام الهی در تمام رویدادها و اثبات نظریه «امر بین الامرین»، بداء به نقش فعال خداوند در تدبیر عالم اشاره دارد و حضور اراده او را در تمام امور به اثبات می‌رساند. در واقع بداء هم تحت نظام امر بین الامرینی قرار دارد، به این صورت که انسان‌ها اراده کرده و خداوند نیز اراده خود را در برخی موارد تغییر می‌دهد.

با توجه به نکات پیش گفته، پژوهش در حوزه بداء چه به لحاظ تاریخی و چه به لحاظ مسئله شناسی و کلامی ضروری به نظر می رسد. حاصل سخن آنکه ابتدا سیر مسئله در اندیشه امامیه بررسی و فراز و فرودهای آن رصد می شود، سپس مبانی و تبیین نهایی آن در معارف کتاب و سنت پیگیری خواهد شد.

بداء در حوزه کلام امامیه و سیر تاریخی آن

سیر بداء در اندیشه امامیه را می توان در دو دوره حضور امامان و دوره غیبت بررسی کرد. در عصر حضور با دو جریان کلی در کلام امامیه روبه رو هستیم که یکی تنها به بیان معارف اهل بیت علیهم السلام و انتقال آن همت می گمارد (محدثان) و جریان دیگر علاوه بر بیان معارف، آنها را تبیین عقلانی می کند و با دیگر جریان های رقیب و غیر شیعی به بحث و مناظره می نشیند (متکلمان). ویژگی عمومی متکلمان عصر حضور در هر دو جریان تلاش برای تبیین معارف امامیه در چارچوب شیعی و خارج نشدن از تعالیم اهل بیت علیهم السلام بود. آموزه بداء را در این دوره هر دو جریان منتقل کرده اند و تفاوت چندانی با تعالیم اهل بیت علیهم السلام ندارد. بر اساس گزارش های موجود، در روایات و در دیدگاه اصحاب ائمه علیهم السلام ضمن تبیین اراده الهی و دارای مراتب دانستن آن، بداء به معنای تغییر در یکی از این مراحل عنوان شده است؛^۱ در نتیجه بداء به معنای تغییر واقعی اراده مطرح شده و نسخ در شرایع نیز از مصادیق بداء است.^۲

با کم رنگ شدن حضور جریان های کلامی امامیه در عرصه جامعه و فشار سیاسی خلفای عباسی در جهت به حاشیه راندن کلام امامیه، رفته رفته در اواخر قرن سوم هجری قمری متکلمان امامیه تبیین جدیدی از آموزه بداء ارائه کردند که با تبیین نخستین آن تفاوت داشت. نخستین گزارش از تبیین جدید بداء را ابن راوندی از متکلمان معتزلی شیعه شده ارائه کرده است. بر اساس این گزارش، بداء پدیده جدیدی نیست و به همان معنای نسخ است که تمام فرقه های اسلامی آن را پذیرفته اند.^۳ همان گونه که نسخ در حوزه تشریع به معنای پایان یافتن زمان حکم نخستین

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲. ر.ک: اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۳۹.

۳. خباط، الانتصار، ص ۱۲۷.

و آغاز حکم جدید است، در حوزه تکوین نیز بداء به معنای ظاهر شدن اراده خداوند خواهد بود.^۱ تبیین متکلمان عصر حضور در مدرسه کلامی قم استمرار یافت؛ اما تبیین جدید در بغداد روی داد و در حدود یک قرن بعد و با تأسیس مدرسه کلامی بغداد جدید از سوی شیخ مفید رواج یافت.^۲ این دیدگاه در قرن پنجم دیدگاه رسمی امامیه به شمار می‌رفت. رنگ باختن آموزه بداء و فاصله گرفتن از تبیین نخستین آن تا آنجا پیش رفت که خواجه طوسی در قرن هفتم در برخی آثار خود اساساً منکر آموزه بداء شد.^۳

در مدرسه ری و حله، همانند مدرسه کلامی بغداد، نسخ‌انگاری آموزه بداء ادامه یافت و در مدرسه کلامی حله به صورت یک مسئله کاملاً فرعی و حاشیه‌ای در ضمن مسئله نبوت و نسخ شرایع مطرح شد.^۴ نکته بسیار مهم و قابل توجه اینکه در نسخ‌انگاری بداء بر معنای حقیقی بداء، که تغییر اراده الهی و در نتیجه تغییر سرنوشت انسان و خلقت است، تحفظ نشده است و بداء محو و اثبات حقیقی تقدیرها نیست.^۵

پس از حله مهم‌ترین نهضت علمی شیعه در اصفهان و مقارن با عصر صفویه شکل گرفت. مدرسه کلامی اصفهان در درون خود شاهد حضور دست‌کم سه جریان کلامی است: ۱. حدیث‌گرایان که اخباریان گروهی از آنان به شمار می‌آیند؛ ۲. کلام عقل‌گرای فلسفی که اختلاط کلام با فلسفه مربوط به این جریان است. و ۳. جریان عقل‌گرای غیر فلسفی که تمایز فلسفه با دانش کلام را حفظ کرده، انتقاداتی به برخی از مبانی فلسفی دارند که در واقع ادامه‌دهنده مدرسه کلامی حله به شمار می‌آیند.^۶

در این مدرسه کلامی پس از قرن‌ها شاهد ارائه دو تبیین جدید از آموزه بداء هستیم. تبیین نخست مربوط به جریان کلامی حدیث‌گرا است. این جریان کلامی بر اساس برخی آیات قرآن و

۱. مفید، *اوائل المقالات*، ص ۸۰.

۲. ر.ک: همان.

۳. ر.ک: خواجه طوسی، *تلخیص المحصل*، ص ۴۲۱.

۴. برای نمونه ر.ک: حلی، *نهج الحق و کشف الصدق*، ص ۴۰۲؛ فاضل مقداد، *اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه*، ص ۳۰۲.

۵. ر.ک: موسوی، *بازخوانی آموزه بداء*، ص ۸۹.

۶. ر.ک: سبحانی و رضایی، «مدرسه کلامی اصفهان»، *تاریخ فلسفه*، ص ۱۱-۱۳۸.

روایات، در تقدیرهای الهی قائل به دولوح محفوظ ولوح محو و اثبات شدند؛ تغییرات پدیدآمده در لوح محو و اثبات همان بداء است.^۱ این تلقی از آموزه بداء گرچه هنوز با تلقی متکلمان نخستین در برخی از موارد تفاوت داشت، نزدیک‌ترین تبیین به آموزه بداء در دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام و متکلمان نخستین بود و از همه مهم‌تر اینکه بداء در این دیدگاه، محو و اثبات واقعی تقدیرها است.^۲ تبیین دوم مربوط به جریان عقل‌گرای فلسفی است. این تلقی از بداء که مختص آموزه بداء نیست راهگشای هرگونه امر متغیر، مانند نسخ و تردد، نیز است. این تبیین بر تفکیک عوالم وجود و نسبت دادن هرگونه تغییر به نفوس مدبره عالم استوار است. بر این اساس، هرگونه تغییر و تبدیلی که در این عالم روی دهد به نفوس مدبره آن، که همان ملائکه هستند، مربوط می‌شود و ساحت ربوبی از هرگونه حدوث و تغییری پیراسته است. دلیل این امر نیز آن است که این نفوس قابل همه صور علمی که بر آنها افاضه می‌شود نیستند، در نتیجه تقدیرها به تدریج بر آنها افاضه می‌شود. طبق این دیدگاه، اطلاق واژه بداء بر خداوند مجازی است؛ زیرا به طور مستقیم فعل ملائکه و با واسطه فعل الله خواهد بود.^۳

تا سده چهاردهم هجری و دوران معاصر تبیین‌های رایج از آموزه بداء بر پایه نسخ‌انگاری یا دو تبیین اخیر در مدرسه اصفهان صورت می‌گرفت و هیچ‌گونه اثری از تبیین متکلمان نخستین امامیه و معاصر با معصومان وجود نداشت. با ظهور مدرسه معارفی خراسان در قرن اخیر، دیدگاه متکلمان نخستین امامیه که مبتنی بر روایات اهل بیت علیهم‌السلام بود جان دوباره‌ای گرفت و با کاراجته‌های و دقیق در میراث روایی امامیه مبانی آموزه بداء، مانند علم و قدرت و از همه مهم‌تر اراده الهی، پایه‌ریزی شد و مبتنی بر آنها آموزه بداء مطابق با مبانی روایی آن تبیین شد. این کار بزرگ در واقع بازگشتی به میراث کلامی و روایی متکلمان نخستین امامیه بود که پس از قرن‌ها مہجوریت بر تارک اندیشه کلامی امامیه درخشید.

چنانکه پیشتر گذشت، آموزه بداء در بستر تاریخ کلام امامیه دچار تغییراتی شده است. نسخ‌انگاری بداء که نخستین گزارش آن را یکی از معتزلیان شیعه شده منتقل کرده بود، رفته رفته

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۳۰.

۲. ر.ک: موسوی، «آموزه بداء از عصر حضور تا سده نهم هجری» در همین جستار.

۳. ملا صدرا، شرح اصول الکافی، ج ۴، ص ۱۹۰.

به دیدگاه رسمی امامیه در محافل علمی از مدرسه کلامی بغداد به بعد تبدیل شد. این نظرگاه تا قرن‌ها بعد ادامه پیدا کرد و حتی در آثار کلامی امامیه در دوره معاصر نیز حضور دارد.^۱ اما سراین نکته چیست؟ چرا متکلمان امامیه بداء را همانند نسخ تبیین کردند؟ چه اشکالی در تبیین بداء به معنای حقیقی آن، که همان تغییر اراده است، وجود داشت؟

پاسخ این پرسش در واکاوی مبانی آموزه بداء نهفته است. نظر متکلمان نخستین بر اساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام مبتنی بر اصول و دستگاه کلامی بود که بعدها با نفوذ اندیشه معتزلی رفته رفته کم رنگ شد. لنگرگاه بداء بر تبیین صحیح و جامع از علم و اراده الهی استوار است. طبق دستگاه معرفتی متکلمان نخستین، علم الهی فقط علم ازلی و ذاتی خداوند نبود، بلکه گونه دیگری از علم وجود دارد که علم پس از خلق و علم به تقدیرها است^۲ و از آن به علم مخلوقی یا فعلی یاد می‌شود. اراده الهی در دیدگاه آنان گستردگی زیادی دارد و از مشیت، به عنوان نخستین مرتبه تعیین خارجی یک شیء، آغاز می‌شود و تا قضای حتمی و امضای آن ادامه دارد که پس از این مرحله یک شیء وجود خارجی پیدا می‌کند. بر اساس معارف اهل بیت علیهم‌السلام تا پیش از تحقق خارجی، امکان تغییر در هر کدام از مراحل یادشده وجود دارد که از آن به بداء یاد می‌شود.^۳ با این تبیین، علم ذاتی و ازلی خداوند مصون از هرگونه تغییر و تبدیل تصویر می‌شود و تغییرات در جانب مراحل اراده الهی، که علم فعلی خوانده می‌شود، روی می‌دهد. اما در دستگاه معرفتی متکلمان امامیه در بغداد و پس از آن فقط علم ذاتی و ازلی برای حق تعالی تصویر شده، اراده الهی نیز در دیدگاه مشهور به همان معنای مراد و همزمان با تحقق خارجی تفسیر می‌شود.^۴ با این گونه تصویرسازی عملاً جایی برای تغییر در اراده الهی وجود نخواهد داشت و هرگونه تغییر در اراده به طور مستقیم به تغییر و حدوث در علم ذاتی می‌انجامد که محال بودن آن در جای خود ثابت شده است. سرِ نسخ‌انگاری بداء در بغداد و پس از آن را باید در این نکته جست.

۱. برای نمونه رک: سبحانی، محاضرات فی الالهیات، ص ۲۳۹.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳. همان، ص ۱۴۹.

۴. رک: موسوی، بازخوانی آموزه بداء، ص ۲۵۵ و ۲۶۱.

رویکرد فلسفی به آموزه بداء

فیلسوفان، به سان متکلمان، دارای یک منظومه فکری هستند و هر فیلسوف باید در چارچوب فکری خود سخن بگوید و نتایج و پیامدها باید با مبانی و مقدمات همسو باشد؛ آموزه بداء هم از این امر مستثنا نیست. فیلسوفان دارای مبانی فکری ای بودند که با آنها عملاً راه برای تبیین متکلمان نخستین از آموزه بداء بسته بود. این بنیادها به گونه ای بود که حتی پذیرش دیدگاه متکلمان هم بر اساس برخی دیدگاه‌ها دشوار می‌نمود.

در اندیشه فیلسوفان، بداء به معنای حقیقی آن در مورد خداوند محال است؛ زیرا علم او به ذات خود و به ماسوای خود علم حضوری است و لازمه وقوع بداء در این علم حدوث علم در ذات باری خواهد بود که با *علة العلل* بودن خدا و اینکه علم او به ذات مستلزم علم به تمام هستی است منافات دارد.^۱

در نظر فیلسوفان مسلمان، اراده الهی ناشی از علم ربوبی است و اساساً اراده چیزی جز علم او به نظام اکمل و اتم نیست. در نتیجه، دست کم علم الهی جزئی از اراده تکوینی است و به محض اراده، فعل انجام خواهد شد. این اراده در ذات الهی به صورت ابتهاج تجلی می‌یابد و به محض تعلق علم ربوبی به یک امر تحقق پیدا می‌کند.^۲ تفاوت اساسی و تأثیرگذار در مسئله بداء میان فیلسوفان و متکلمان در اراده الهی است. متکلمان امامیه در بغداد و پیروان آنها گرچه مانند متکلمان نخستین اراده الهی را دارای مراتب نمی‌دانستند، آن را یک وصف مستقل و زائد بر علم به شمار می‌آوردند؛^۳ اما فیلسوفان برای اراده هویتی جدای از علم ذاتی حق تعالی باور نداشتند. چنانکه می‌دانیم، حتی متکلمان امامیه در مدرسه حله و پس از آن معتقد بودند اراده همان داعی است و چیزی فراتر از علم به مصلحت و مفسده نیست.^۴ با چنین مبنایی به هیچ وجه نمی‌توان بداء را به معنای تغییر در یکی از مراتب اراده الهی، مانند مشیت یا تقدیر یا قضا، تفسیر کرد. شاید بتوان در مقایسه با مدرسه بغداد، سر دورتر شدن

۱. موسوی بجنوردی، «بداء، نسخ، تفاوت آنها با یکدیگر»، نامه الهیات، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۶۰.

۳. مقرئ نیشابوری، *التعلیق فی علم الکلام*، ص ۱۷۳.

۴. رک: حلی، *کشف المراد*، ص ۲۸۸؛ ملا صدرا، *المبدأ والمعاد*، ص ۱۳۵.

مدرسه کلامی حله از آموزه بداء را در همین نکته دانست.

نگاه فلسفی اسلامی به کلیت علم الهی تفاوتی با دیدگاه کلامی نداشت. هر دو گروه علم الهی را منحصر در علم ذاتی و ازلی می دانستند و اثری از علم مخلوقی و فعلی،^۱ چنانکه متکلمان نخستین امامیه می گفتند، در میان نبود. در اندیشه فلسفی علم باری، نامتناهی و علم سایر موجودات، متناهی است. افاضه علم مجرد نخستین - به سبب آنکه مثال باری به شمار می آید - دفعی است؛ اما در مخلوقات - به سبب محدود بودن آنها - افاضه علم تدریجی و متناهی است و ممکن است دچار زوال یا نقصان شود. به همین سبب ممکن است این نفوس از حوادثی آگاه شوند اما شروط و موانع آن را ندانند؛ همین نکته سبب پیدایش پدیده بداء است.^۲

در دیدگاه فیلسوفان درباره آموزه بداء افزون بر موارد یادشده مبانی دیگری، همچون تحفظ بر قاعده علیت یا تحفظ بر حکمت الهی، نیز دخیل است که بررسی آنها مجال دیگری می طلبد.^۳

تبیین آموزه بداء در آیات و روایات

توحید الهی و مسائل کلامی پیرامون آن در زمره معارف الهی و وحیانی ناب و عالی قرار دارند. معارفی همچون وحی، نبوت، امامت و معاد در رتبه پس از توحید قرار گرفته اند و مبتنی بر معرفت خداوند و توحید اویند. آموزه بداء به لحاظ تقسیم بندی های رایج کلامی، در حوزه افعال الهی قرار دارد؛ اما این تمام ماجرا نیست. آموزه بداء در روایات اهل بیت علیهم السلام دارای جایگاهی والا و هم تراز با اقرار به یگانگی حق تعالی معرفی شده است. به گمان نگارنده، در مقام تنبه و تذکر بر اهمیت و جایگاه یک آموزه نمی توان تعبیری والا تر و رساتر از «ما عظیم الله بمثل البداء» و «ما عبد الله بمثل البداء»^۴ (خداوند به چیزی مانند بداء بزرگ دانسته نشده یا پرستش نشده

۱. منظور از علم فعلی در اینجا همان علم فعلی در اصطلاح متکلمان نخستین امامیه است، و گرنه فیلسوفان نیز علم فعلی و انفعالی دارند که خارج از محل نزاع ما است.

۲. رک: موسوی بجنوردی، «بداء، نسخ، تفاوت آنها با یکدیگر»، نامه الهیات، ص ۶۱ و ۶۲.

۳. برای اطلاع بیشتر رک: موسوی، بازخوانی آموزه بداء، ص ۲۷۳؛ کاوند، رضایی هفتادر و اسماعیلی، «مطالعه تطبیقی آموزه بداء در اندیشه میرداماد و صدر المتألهین» در همین جستار.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۶.

است) یافت. به دلیل پیوند گسست‌ناپذیر بداء با توحید الهی باید توقع حضور آن را در تمام ادیان توحیدی داشت. این نکته از دیدگاه روایات مغفول نمانده و آموزه بداء یک پای ثابت میثاق تمام پیامبران الهی عنوان شده است.^۱ افزون بر این، برخلاف برخی از مسائل کلامی همچون امامت و قضا و قدر - که در آنها به دلیل حساسیت‌های موجود در عصر امامان همواره توصیه به کتمان و نهی از بحث و جدل در آنها از جانب معصومان وجود داشت - درباره آموزه بداء اوضاع به گونه دیگری رقم خورده است.^۲ امامان شیعه نه تنها بحث و مناظره علمی درباره بداء را مجاز شمرده‌اند بلکه به آن توصیه کرده‌اند. تعبیر «لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي الْقَوْلِ بِالْبَدَاءِ مِنَ الْأَجْرِ، مَا فَتَرُوا عَنِ الْمَكَلَامِ فِيهِ»^۳ (اگر مردم پاداش قول به بداء را می‌دانستند از گفت‌وگو درباره آن کوتاهی نمی‌کردند) گواه روشنی بر این مدعا است.

بداء آموزه‌ای است که با تذکروچی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به دست آمده است و از دستاوردهای عقل نظری و برهان‌های عقلی نیست. شاهد بر این ادعا نبود هرگونه اثر از این بحث در آثار فیلسوفان بشری است. بسیاری از کسانی که روش عقل‌گرایی را پیشه خود ساخته‌اند، بداء را در حق خدای متعال محال دانسته‌اند. در این میان شیعه امامیه از این امر مستثنا است. به دلیل روایات متعدد و انکارناپذیر امامیه درباره آموزه بداء، متکلمان و حتی فیلسوفان شیعه سعی در تبیین آن بر اساس مبانی و قواعد عقلی دارند.^۴

در آیات قرآن واژه «بداء» در چند مورد به کار رفته که اکثر آنها در مورد انسان‌ها و به همان معنای لغوی هستند. آیات قرآن به بدای اصطلاحی که در علم کلام از آن یاد می‌شود تصریح نکرده‌اند؛ اما به مبانی آن اشاره دارند. آیات مهمی که دلالت واضح بر بداء دارند، از این قرارند: «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»^۵، «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ»^۶ و «وَقَالَتِ الْيَهُودُ

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۲. برای نمونه رک: صدوق، علل الشرائع، ج ۲، ص ۶۰۶.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۴. برای نمونه رک: همان؛ میرداماد، نبراس الضیاء، ص ۵۶.

۵. سوره رعد، آیه ۳۹.

۶. سوره فاطر، آیه ۱.

يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ^۱. از مجموع این آیات و آیاتی مانند ﴿إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾^۲ و ﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾^۳ و آیات مشابه دیگر، توانایی و قدرت خداوند بر ایجاد مخلوقات جدید و بسته نبودن دست او به دست می‌آید که در حقیقت روح و جوهره بداء به شمار می‌رود. از دیدگاه روایات، آیات مربوط به آغاز آفرینش نیز در زمره آیات مربوط به بداء قرار می‌گیرند؛ از جمله: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ^۴ وَ ﴿بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۵.

در فضای روایات با تفصیل بیشتری درباره آموزه بداء و مبانی آن روبه‌رو هستیم. بر اساس روایات، بداء بر پنج رکن استوار است که نبوده هر کدام باعث ایجاد خلل و کاستی در تبیین صحیح و جامع بداء خواهد شد. این پنج رکن عبارتند از ۱. قدرت مطلق، ۲. حدوث اراده، ۳. تقسیم علم خداوند به دو نوع ذاتی و مخلوقی، ۴. مراتب تحقق خارجی اشیا، ۵. منحصر نبودن نظام حکیمانه در یک نظام خاص که تصویر کامل از بدای مورد نظر آیات و روایات با این مبانی به دست می‌آید. هرگونه تغییر در یکی از این مبانی باعث تغییر در خروجی آن می‌شود و نتیجه‌ای غیر منطبق با آیات و روایات خواهد داشت؛ اتفاقی که در مسیر تاریخی این آموزه روی داده و با برخی مبانی زاویه دار با آیات و روایات تصویر ناقصی از بداء ارائه شده است.

هر چند در روایات به طور صریح تعریفی از چیستی و ماهیت بداء ارائه نشده است - چنانکه شیوه تعلیم اهل بیت علیهم‌السلام است - مبانی، محدوده و برخی از مراحل وقوع آن و نیز برخی از مصادیق بداء مطرح شده است. فهم و تبیین جامع از بداء در گرو بررسی و فهم مبانی آن و جمع میان چند دسته از روایات است.

در فضای روایات ابتدا امور به دو گونه حتمی و غیر حتمی تقسیم شده‌اند و در امور غیر حتمی مشیت خداوند به حال خود باقی و قابل تغییر است.

۱. سوره مائده، آیه ۶۴.

۲. سوره هود، آیه ۱۰۷.

۳. سوره ابراهیم، آیه ۱۹.

۴. سوره روم، آیه ۲۷.

۵. سوره بقره، آیه ۱۱۷.

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَالِمٌ بِمَا غَابَ عَنْ خَلْقِهِ فَمَا يُقَدِّرُ مِنْ شَيْءٍ وَيَقْضِيهِ فِي عِلْمِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَهُ وَقَبْلَ أَنْ يَقْضِيَهُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ فَذَلِكَ يَا حُمْرَانُ عِلْمٌ مُوقُوفٌ عِنْدَهُ إِلَيْهِ فِيهِ الْمَشِيئَةُ فَيَقْضِيهِ إِذَا أَرَادَ وَيَبْدُو لَهُ فِيهِ فَلَا يُمْضِيهِ.^۱

خداوند به امور پوشیده از خلق آگاه است و همه تقدیرها قبل از خلق و قبل از تعلیم به ملائکه در علم او موجودند و این علمی مشروط است که خداوند می‌تواند آن را حتمی کند یا تغییر دهد.

این گونه روایات در حکم بحث مقدماتی و مقدمه‌ای برای ورود به بحث بداء به شمار می‌روند؛ زیرا اگر تمام امور حتمی و غیر قابل تغییر باشند بحث بداء از اساس معنا نخواهد داشت.

در برخی دیگر از روایات بر علم ازلی و پیشینی خداوند و اینکه علم او قبل و بعد از بداء تغییری نمی‌کند تأکید شده است؛ نتیجه آنکه آن امر حادث و جدید نیز در علم ازلی خداوند موجود بوده است. این دسته از روایات در حقیقت پاسخی اند به اشکالات فراوانی که مخالفان به دلیل قول به بداء بر امامیه وارد کرده‌اند. بر اساس این نکته، بداء در علم خداوند روی نمی‌دهد و اعتقاد به بداء مستلزم نسبت جهل به ساحت ربوبی نیست:

مَا بَدَأَ اللَّهُ فِي شَيْءٍ إِلَّا كَانَ فِي عِلْمِهِ قَبْلَ أَنْ يَبْدُو لَهُ؛^۲

در هیچ امری برای خداوند بداء حاصل نمی‌شود، مگر آنکه پیش از پیدایش بداء به آن آگاه بوده است.

از دیگر مقدمات آموزه بداء که در روایات به آن اشاره شده، مراحل خلقت اشیا است. بر اساس مضمون این احادیث، هیچ چیزی در آسمان و زمین تحقق نمی‌یابد مگر آنکه هفت مرحله را بگذراند. این مراحل عبارتند از: مشیت، اراده، قضا، قدر، اجل، اذن و کتاب.^۳ تا قبل از تحقق خارجی اشیا در هر یک از این مراحل، که به نوعی اراده پروردگار به شمار می‌روند، امکان پیدایش بداء وجود دارد. بنابراین چنین نیست که میان تقدیر و وجود خارجی فاصله‌ای نباشد و امکان تغییر

۱. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۴۸.

۳. همان، ص ۱۴۹.

وجود نداشته باشد، بلکه در این میان مراتبی هست که در هر کدام از آنها امکان بداء وجود دارد. در مکتب اهل بیت علیهم السلام، اراده خداوند نیز حادث و نوپدید است و ازلی بودن آن نفی شده است. تقدیر و خلق موجودات بر اساس اراده خداوند پدید آمده است، نه علم و قدرت؛ چرا که این دوازل در ذات الهی وجود داشته‌اند، اما مخلوقی در کار نبوده است.

عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: قُلْتُ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ مُرِيداً قَالَ إِنَّ الْمُرِيدَ لَا يَكُونُ إِلَّا لِمُرَادٍ مَعَهُ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَالِماً قَادِراً ثُمَّ أَرَادَ؛^۱

عاصم بن حمید می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا خداوند همواره اراده‌کننده بوده است؟ امام در پاسخ فرمود: اراده‌کننده همواره همراه اراده شده است. خداوند از ازل عالم و قادر بود، سپس اراده کرد.

بر اساس مقدمات پیش گفته، تصویری اجمالی و اولیه از بداء به دست می‌آید که طبق آن، علم ازلی و بی‌پایان خداوند بر همه امور احاطه دارد و حتی علم قبل و بعد از بداء نیز در آن موجود است. بنابراین در هنگام پیدایش بداء تغییری در علم خداوند ایجاد نمی‌شود و بداء مستلزم جهل یا پشیمانی در ساحت ربوبی نیست و این علم منشأ پیدایش بداء است، نه محل وقوع آن. نتیجه اینکه آنچه در بداء تغییر می‌کند اراده حق تعالی است که در ضمن یکی از مراحل تحقق خارجی اشیا به وقوع می‌پیوندد. به دلیل حدوث اراده و تجدیدپذیری آن، تغییر و تبدیل در آن محال نیست. تا قبل از تحقق خارجی یک شیء امکان بداء وجود دارد و پس از تحقق خارجی، به دلیل قابل نبودن محل، بداء ممکن نیست.^۲

بازتاب آموزه بداء در مکتب معارفی خراسان

مرحوم میرزا مهدی اصفهانی، مؤسس مکتب معارفی خراسان، با تأکید بر بهره‌گیری از معارف قرآن و عترت، بحث بداء را یکی از مباحث بنیادین معارف و حیانی و از اختصاصات معارف اهل بیت عصمت علیهم السلام می‌داند و اهمیت ویژه‌ای برای آن قائل است. میرزا معتقد است که طرح و تبیین آموزه

۱. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲. رک: موسوی، «تحلیل آموزه بداء بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام» در همین جستار.

بداء از امتیازات علوم ائمه اطهار علیهم السلام در مقایسه با اندیشه‌های سایر اندیشمندان به شمار می‌آید و تذکر به این حقیقت تنها به ایشان اختصاص دارد و احدی از مردم در آن با ایشان شریک نیست.^۱ از نظر ایشان، واژه بداء از ریشه «بدو» به معنای انشا و ایجاد رأی است. مخلوقات ترشح و تنزل وجود خداوند نیستند و از ذات پروردگار صادر نشده‌اند، بلکه خداوند اشیا را بعد از نبود، «لا من شیء» ایجاد و ابداع کرده است؛ در نتیجه، خلقت از اصول ازلیه نیست و خداوند به مشیت خود، اشیا را ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، مرجح تحقق و تکنون اشیا نفس مشیت الهی است و مشیت نیز حادث است.^۲

خداوند به نظامات نامتناهی و نیز به نقیض آنها در عرض هم آگاه است و مصالح نیز منحصر به نظام موجود نیستند؛ به تعبیر دیگر، نظام موجود نظام اصلح نیست، بلکه ممکن است نظام‌های مختلف دیگری نیز از نظر مصلحت هم سطح این نظام باشند که حضرت حق به همه آنها آگاه است. علم، به معلومات تعین نمی‌دهد، بلکه مشیت و اراده حضرت حق علت تحقق اشیا است. بر اساس این مقدمات، بداء به معنای تغییر در مشیت است. البته در مواردی که مشیت حضرت حق به امری تعلق گرفته و به صورت حتمی اعلام شده باشد، بداء رخ نمی‌دهد؛ زیرا خداوند خلف وعده نمی‌کند. همچنین اگر تغییر مشیت مستلزم ظلم باشد، هرگز بداء نخواهد شد و در غیر این موارد، امکان بداء و تغییر در مشیت الهی وجود دارد.^۳

خدای تعالی به علم ذاتی خویش به همه آنچه به رأی و امر خود خلق می‌کند عالم است؛ ولی علم به معنای تحقق معلومات نیست. در مرتبه علم ذاتی پروردگار هیچ گونه تعینی نیست و تعین در مرتبه مشیت صورت می‌گیرد و مشیت نظام، که قبل از پیدایش نظام است، در حقیقت ظهور علم خدا است. نکته قابل توجه اینکه مشیت تعین اجمالی نظام است و در مراحل بعدی فعل خدا، یعنی در مرحله اراده و تقدیر، تفصیل می‌یابد و در مرحله قضا به امضا می‌رسد و در نهایت اگر خدا در آن کار بداء نکند، در خارج محقق می‌شود.^۴

۱. اصفهانی، معارف القرآن، ج ۲، ص ۲۷۴.

۲. رک: غلامی، «رأی و بداء از دیدگاه میرزا مهدی اصفهانی رحمته الله علیه» در همین جستار.

۳. رک: اصفهانی، ابواب الهدی، ص ۲۴۸.

۴. رک: همان.

بر اساس آموزه‌های وحیانی، هریک از افعال الهی برای تحقق یافتن در خارج مراحل طی می‌کند؛ یعنی خداوند با مشیت و خواست خود آن را آغاز و با اراده خویش وقوع آن را تثبیت می‌کند، سپس حدود و اندازه‌های آن را مقدر و معین می‌سازد و در نهایت آن فعل مورد قضای الهی واقع می‌شود و با اذن خداوند در خارج تحقق می‌یابد. برخی امور بر طبق خواست و اراده و تقدیر نخستین خداوند مورد قضا قرار می‌گیرند و به همان صورتی که خداوند از ابتدا خواسته بود در خارج ایجاد می‌شوند؛ اما خداوند تحقق همه آنچه مشیت و اراده و تقدیرش به آن تعلق گرفته است را حتمی نساخته، بلکه دست او در محو و اثبات باز است و می‌تواند آنچه را پیشتر مشیت کرده بود محو کند و امر جدیدی به جای آن مشیت کند، همین‌طور در هریک از مراحل اراده، قدر و حتی قضا - پیش از تحقق آن امر در خارج - می‌تواند هرامری را محو و امر دیگری را جایگزین آن کند.^۱ حاصل سخن آنکه بداء الهی خدای تعالی این است که او در کارهای خویش آزاد است. در رأی و امر و مشیت خویش هیچ اضطرار و لزومی ندارد، و همه این امور حادث و تحت سلطنت و اقتدار او هستند. خداوند هر چیزی را بخواهد به اقتدار و سلطنت خویش می‌خواهد و مشیت به اضطرار از او سر نمی‌زند.^۲

چنانکه پیشتر گذشت، این تبیین مطابق با دیدگاه آیات و روایات و همچنین دیدگاه متکلمان نخستین امامیه است که قرن‌ها پس از در حاشیه بودن و حتی بی‌اطلاعی بسیاری از متکلمان امامیه از آن، دوباره به متن کلام امامیه بازگشته است.

آنچه تا اینجا گذشت بازتابی از مقالات گردآوری شده در این مجموعه و عصاره آنها بود. با وجود فراوانی نگاشته‌ها درباره آموزه بداء هنوز جای خالی پژوهش‌های تاریخی و حدیثی اجتهادی در این زمینه حس می‌شود. تبیین جدید از آموزه بداء بر اساس کتاب و سنت، که در حقیقت بازگشت به دیدگاه متکلمان نخستین است، پس از قرن‌ها مانند نهال نوپایی است که از ریشه‌ای تنومند و کهنسال سربرآورده و نیازمند پرورش است. این هنوز طلیعه راه است و تبیین مسئله اعتقادی مهم و بنیادینی چون بداء و ارتباط آن با سایر حوزه‌های کلامی همت بلند پژوهشگران در این عرصه را طلب می‌کند.

۱. اصفهانی، ابواب الهدی، ص ۲۳۵.

۲. همان، ص ۳۶۱.

مقالات این مجموعه از میان مقالات فراوانی گزینش شده و تلاش دارد تا نوشته‌های غنی‌تر را از میان تمام گرایش‌های فکری، اعم از حدیثی و کلامی و فلسفی، در خصوص آموزه بداء گرد آورد. بی‌تردید مجموعه پیش رو منبع نسبتاً جامع و مناسبی جهت کارهای پژوهشی خواهد بود و می‌تواند بخش بزرگی از نیاز پژوهشگران در این عرصه را پوشش دهد.

در پایان مراتب سپاس خود را تقدیم به تمام نویسندگان محترم مقالات این مجموعه می‌کنم که با نوشته‌های خود بر غنای بیشتر این مجموعه افزودند. همچنین قدردانی ویژه از ریاست محترم پژوهشکده معارف اهل بیت علیهم‌السلام، جناب حجت الاسلام دکتر محمدتقی سبحانی دارم که توصیه‌های علمی‌شان همواره راهگشای نگارنده در این مجموعه و مجموعه‌های مشابه بوده است. ومن الله التوفیق وعلیه التکلان.

سید جمال‌الدین موسوی

شهریور ۹۸



امروزه در مواجهه با امواج فکر و فرهنگ چاره‌ای جز دوراندیشی و پژوهش در ابعاد و زوایای مسائل علمی نیست. برای شناخت درست حقیقت، پیش از هر چیز، باید آرا و اندیشه‌ها را به دقت بازشناخت و از چند و چون دیدگاه‌ها و چرایی‌شان پرده برداشت. مجموعه حاضر تلاش می‌کند که با گردآوری بهترین مقالات در یکی از موضوعات مهم اعتقادی، امکان مقایسه و سنجش را برای پژوهندگان حقیقت‌فراهم سازد. این دفتر به آموزه بداء در نظام افعال و تقدیرات الهی می‌پردازد.

ekalam.ir



Ahlulbayt Teachings Institute

قم، بلوار شهید صدوقی (زنبیل آباد)، کوی ۳۴، پلاک ۱۵، شماره تماس: ۰۲۵-۳۲۹۱۴۶۰۲-۴

